

کثرت‌گرایی در اندیشه شهید مزاری



□ عارف وفايي

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

چکیده

هدف اساسی این مقاله بررسی اندیشه شهید مزاری در مورد کثرت‌گرایی است. کثرت‌گرایی، معتقد به تنوع و گوناگونی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و تأکید بر نظام سیاسی دارد که در آن به منافع همه گروه‌های اجتماعی، توجه صورت گیرد. به عبارت دیگر، کثرت‌گرایی بر تفکیک جامعه مدنی از حکومت، حفظ منافع اقلیت و اکثریت و توزیع قدرت میان مرکز و ولایات تأکید دارد. پرسش اصلی این مقاله این است که نسبت اندیشه شهید مزاری و کثرت‌گرایی چگونه است و شهید مزاری بر کدام نوع از نظام سیاسی تأکید داشت؟ یافته‌های این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، بیانگر آن است که شهید مزاری بر تقسیم قدرت بین احزاب سیاسی از یک طرف و بین مرکز و ولایات از سوی دیگر اعتقاد داشت و نظام فدرالی را تنها راه‌حل مطمئن برای رسیدن به ثبات سیاسی در کشور می‌دانست.

کلیدواژه: کثرت‌گرایی، فدرالیسم، شهید مزاری، انتخابات، افغانستان.

مقدمه

گذار از عقب ماندگی به توسعه سیاسی، دغدغه بسیاری از رهبران سیاسی و شخصیت‌های علمی، در افغانستان بوده است. نواندیشی سیاسی و نظریات مبتنی بر تغییر سیاسی که اصلاح ساختارهای کهن و سنتی را به دنبال داشته باشد، از زمان شاه امان الله خان، آغاز شد. در این مقطع از تاریخ افغانستان، اندیشمندان و سیاست‌مداران زیادی برای اصلاح ساختارهای سیاسی کشور نظریه ارائه دادند و اقدام کردند. با این وجود، از سال ۱۳۵۷ به بعد شرایطی در افغانستان حاکم شد، که سخن گفتن از اصلاح و تغییر نظام سیاسی و به ویژه حاکمیت مردم‌سالاری، خیلی دشوار گردید. این وضعیت تا سقوط امارت اسلامی طالبان در سال ۱۳۸۰، همچنان بر فضای سیاسی افغانستان حاکم بود.

پس از خروج نیروهای شوروی، در سال ۱۳۷۱، مرحله جدید از ارائه طرح‌ها از سوی برخی جریان‌های سیاسی در افغانستان شروع شد؛ اما اکثریت این طرح‌ها، غیرواقع‌بینانه و نامتناسب با بافت اجتماعی و فرهنگی افغانستان در نظر گرفته شده بود. اضافه بر این؛ پشتوانه طرح‌ها و رویکردها، نه بر استدلال منطقی و مبتنی بر واقعیت‌های جامعه افغانستان، بلکه با توجه به زور و با استفاده از نیروی نظامی، ترسیم شده بود. در این شرایط تنها شخصی که نظریه جامع و مبتنی بر واقعیت پلورالیستی کشور ارائه کرد، شهید مزاری بود. وی معتقد بود که نظام سیاسی افغانستان بر اساس اصول حقوق بشری، منافع همه اقوام و گروه‌های اجتماعی و به ویژه اقلیت‌های کشور در نظر گرفته شود. برای این منظور، شهید مزاری، بر نظام فدرالی که از رهیافت کثرت‌گرایی، ریشه و مایه می‌گرفت، تأکید داشت.

هدف نویسنده از نوشتن این مقاله بررسی اندیشه شهید مزاری در مورد نوع نظام سیاسی افغانستان است. این که شهید مزاری، به کدام رهیافت نظری در توسعه سیاسی اعتقاد داشت و خواهان کدام نوع از الگوی حاکمیت در افغانستان بود؟ در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که اندیشه‌های شهید مزاری در عرصه سیاست، مبتنی بر رهیافت کثرت‌گرا و طرفدار نظام فدرالی در افغانستان بود. روش تحقیق

به کار رفته در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است و سعی دارد که با استفاده از مجموعه سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های شهید مزاری، به پرسش‌های این تحقیق پاسخ ارائه کند.

در مورد اندیشه سیاسی شهید مزاری تحقیقات زیادی صورت گرفته است که به طور نمونه چند مورد آن را مرور می‌شود. محمد آصف عطایی غزنوی، در مقاله خود تحت عنوان «نگرش اجمالی بر اندیشه سیاسی رهبر شهید استاد مزاری» بر بیان نگرش شهید مزاری پرداخته است. از نظر غزنوی، اندیشه‌های مزاری بیانگر نفی تبعیضات نژادی، وحدت ملی و عدالت اجتماعی بود. روح الله روحانی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «عدالت اجتماعی در اندیشه شهید مزاری» به ابعاد مختلف از عدالت اجتماعی از جمله عدالت ساختاری، فرهنگی و توزیعی اشاره کرده است و آن را تحلیل کرده است. همچنین، غلام سخی احسانی (۱۳۹۵)، در «شهید مزاری و فدرالیسم، به مثابه گزینه مطلوب حکومت داری»؛ عارف سحر (۱۳۹۶)، در «مزاری و نخستین تلاش برای ایجاد دولت مدرن»؛ محمد باقر احسانی (۱۳۹۸)، در «وحدت ملی و فدرالیسم در اندیشه شهید مزاری»؛ به اندیشه سیاسی شهید مزاری پرداخته‌اند.

رهیافت کثرت‌گرایی

کثرت‌گرایی یکی از رهیافت‌های خیلی مهم در توسعه سیاسی است که از جانب لیبرال‌ها مطرح شده است. ویژگی اصلی کثرت‌گرایی، اعتقاد به تفاوت و تنوع است. پیچیدگی دولت مدرن لیبرال بدین معنا است که یک گروه یا طبقه یا سازمان نمی‌تواند بر جامعه تسلط یابد. کثرت‌گرایی قائل به تمایز و جدایی میان دولت و جامعه مدنی است، قائل به تفاوت میان قدرت اقتصادی و قدرت سیاسی است و به وجود تنوع منافع در هر مسئله و موضوعی اعتقاد دارد. بر اساس نظریه کثرت‌گرایی، قدرت امری غیرانباشتی و پراکنده است. بنابراین، نقش دولت این است که به جای تسلط بر جامعه در راستای منافع خاص، به تنظیم و کنترل ستیزهای اجتماعی بپردازد (اسمیت، ۱۳۸۸: ۳۳۲). در کثرت‌گرایی لیبرال، دولت به صورت عامل برقراری تعادل و میانجی میان

گروه‌های مختلف عمل می‌کند. در این راستا مقامات حکومتی در صدد ایجاد سازش میان اولویت‌های مختلف سیاسی‌اند که توسط گروه‌های گوناگون معترض مطرح می‌شوند. تحت این شرایط چنان‌چه معترضان قادر به اعاده حقوق خویش از طریق فرایندهای قانونگذاری و مجالس مقننه نباشند، در آن صورت به دادگاه‌ها مراجعه کرده تا بدین طریق براساس قانون اساسی احقاق حق کنند. در صورتی که گروه ناراضی برای تحقق منافع عینی خویش از حمایت قوی مردمی برخوردار باشد، می‌تواند خواست‌های خود را در چارچوب سیاست‌های حزبی و نهادهای صنفی تعقیب کند. در این مرحله است که پس از بحث، مذاکره، اقناع و مصالحه، بخشی از تقاضاها تبدیل به سیاست می‌شوند (قوام، ۱۳۹۳: ۷۱).

از نظریه لیست به هراندازه‌ای که جوامع پیشرفت کنند و پیچیده‌تر شوند تعداد گروه‌های اجتماعی و رهبران علاقه‌مند به این گروه‌ها نیز افزایش می‌یابد. این رهبران ناچارند که با یکدیگر به مذاکره بپردازند و در مورد مسائل مختلف دست به ائتلاف بزنند. بنابراین، در پرتو چنین رقابت و مذاکره‌ای مداومی است که مردم قادر خواهند شد برپایه‌ای امور عمومی به نظارت بپردازند. طبعاً این نظارت از طریق انتخابات که منبع طبیعی حکمیت بین گروه‌ها است صورت می‌گیرد. توازی که در نتیجه این فرایند حاصل می‌شود، امکان تحقق صورخاصی از دموکراسی را فراهم می‌آورد (سجادی، ۱۳۹۶: ۹۸-۹۹). دموکراسی، نظام حکومتی است که در آن رهبران در انتخابات دموکراتیک انتخاب می‌شوند، احزاب و کاندیدهای زیادی مشارکت می‌کنند و احزاب مخالف در صورت کسب پشتیبانی عمومی می‌توانند به قدرت برسند. اصطلاحاتی مانند «دموکراسی سیاسی»^۱ و «لیبرال دموکراسی»^۲ بیشتر مترادف با دموکراسی به کار برده می‌شوند. دموکراسی علاوه بر انتخابات، با پشتیبانی از حقوق بشر و حقوق مدنی^۳ شهروندان توصیف می‌شود (نیوتون و ون دث، ۱۳۹۰: ۲۷).

در نظریه کثرت‌گرایی لیبرال، فرایند سیاسی به مثابه یک بازار اقتصادی عمل می‌کند؛ طوری که؛ در عرصه اقتصاد، خریداران برای دریافت خدمات و کالاهای تولیدی پول پرداخت می‌کنند، که همین امر از طریق سازوکار بازار، خریدار را به فروشنده وصل می‌سازد. در بازار آزاد نوعی تعادل میان عرضه و تقاضا ایجاد می‌شود، که وجود تقاضاهای اضافی و یا کمبود تولیدات می‌تواند تعادل را در بازار برهم زند. در قیاس با عرصه اقتصاد، در حوزه سیاست نیز مردم (خریداران) از طریق آرای خود (پول) سیاست‌های عمومی (کالا و خدمات) را که توسط مقامات سیاسی (عرضه‌نمایندگان) ارائه شده از طریق نهادهای قانونی (سازوکار بازار) تقاضا می‌کنند. در این جریان ساختارهای نمایندگی به ویژه مجالس مقننه و احزاب سیاسی ائتلافی که در برگزیده انواع سازمان‌های ذی‌نفوذ هستند، مردم را با رهبران‌شان مرتبط می‌سازند. در این وضعیت دستگاه حکومت، احزاب ائتلافی و انجمن‌های داوطلبانه مساعی لازم را در برقراری تعادل میان تقاضاهای عامه و سیاست عمومی به عمل می‌آورند (قوام، ۱۳۹۳: ۷۲). بنابراین، در چارچوب کثرت‌گرایی لیبرال، نابسامانی سیاسی زمانی به وقوع می‌پیوندد که میزان تقاضایی را که مردم از حکومت می‌کنند، بیش از توانایی‌ها و امکانات حکومت برای پاسخگویی به آن‌ها باشد. در چنین وضعیتی تعادل سیستم و یا حکومت به هم خورده و در نتیجه نظام را از حالت تعادل خارج می‌کند.

در مدل دموکراسی کثرت‌گرا، اراده مردم با تخصص کارگزاران حکومت اجرایی می‌شود. رسیدن به این سطح از توسعه نیازمند فرایند آموزش و پرورش طولانی است. مدل دموکراسی کثرت‌گرا، با سه ابزار، تحقق توسعه سیاسی را تضمین می‌کند:

۱. مسئولیت سیاسی^۳: انتخابات آزاد برای تعیین رهبران آینده. رهبران معمولاً از طریق انتخابات درون حزبی برای دستیابی به قدرت به رقابت می‌پردازند. بنابراین، حکومت و

۱. - political democracy

۲. - human & civil rights

۳. - Responsibility

احزاب باید مکانیزم‌های را روی دست بگیرد تا روند مبارزات شفاف باشد و امکان رقابت برای همه میسر باشد. (۲) بازخواست پذیری^۱: نشان دهنده آمادگی حکومت برای پذیرش تقاضاهای مردمی که دارای حاکمیت هستند و حکومت کارگزار آن‌ها است. وجود نهادهای مدنی قوی، رسانه‌های فعال و قانونی بودن تجمعات اعتراض‌آمیز فاقد خشونت از مهم‌ترین ابزارهای بازخواست پذیری هستند. ۳. پاسخگویی^۲: حکومت به خواسته‌های ملت در درون محدوده ارزشی هر حزب و قانون اساسی پاسخ می‌دهد. در این مرحله باید به دو مسئله مهم توجه شود؛ نخست، اجرای خواسته مردم براساس برنامه حزبی، که با رأی مستقیم مردم به قدرت رسیده است. دوم این‌که برنامه اکثریت با تضمین حقوق اقلیت همراه باشد (سیف زاده، ۱۳۹۶: ۱۸-۱۹).

عناصر بنیادی کثرت‌گرایی در اندیشه شهید مزاری

از سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های شهید مزاری در مورد فعالیت‌های حزب وحدت، نوع نظام سیاسی، دفاع از حقوق اقلیت‌ها، عدالت اجتماعی، آزادی مطبوعات و... به وضوح استنباط می‌شود که شهید مزاری طرفدار اندیشه لیبرال و به ویژه کثرت‌گرایی در توسعه سیاسی بوده است. در بسیاری از سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های شهید مزاری با رسانه‌ها به وضوح می‌توان وجود عناصر لیبرالی و کثرت‌گرایی را مشاهده کرد. بنابراین، مهم‌ترین عناصر بنیادی کثرت‌گرایی در اندیشه شهید مزاری عبارتند از: تأکید بر فرد و جمعیت به عنوان عناصر بنیادین سیاست و حکومت؛ تأکید بر حقوق بشر، عدالت اجتماعی و جانب‌داری از اقلیت‌ها؛ تأکید بر انتخابات به عنوان مناسب‌ترین ابزار گزینش حاکمان و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و تأکید بر نظام فدرالی برای مشارکت همه اقوام و گروه‌های اجتماعی در سیاست. در ذیل اندیشه شهید مزاری را در مورد اصول و عناصر مذکور بیشتر مورد بررسی قرار می‌دهم:

حقوق بشر

حقوق بشر مجموعه‌ای از حقوقی است که جامعه جهانی و به ویژه اعضای سازمان ملل متحد، طی نشر اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، رعایت آن را پذیرفتند. براساس ماده اول و دوم اعلامیه مذکور، تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همچنین، هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، به ویژه از نظر نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده و فعالیت اجتماعی از تمام حقوق و آزادی‌هایی که مطابق این اعلامیه باشند، بهره‌مند شوند.

شهید مزاری معتقد بود که حقوق بشر محصول اندیشه، تحقیق و تجربه دانشمندان جهان برای نجات جامعه بشری است که باید مورد توجه قرار گیرد. حقوق بشر، مبتنی بر اصول و ارزش‌های انسانی و محصول یک سلسله ضوابط علمی و تمدن بشری است که از سوی جامعه بین‌المللی پذیرفته شده است. بنابراین، حقوق بشر هیچ مخالفت و تعارضی با ارزش‌ها و عقاید اسلامی جامعه ما ندارد. از طرفی حکومت باید از اختناق، سانسور و خلاء فکر و اندیشه بپرهیزد و به آزادی اندیشه، عقیده و بیان احترام گذاشته شود (جاوید، ۱۳۹۳: ۱۹۸-۲۰۰). شهید مزاری می‌گفت که حزب وحدت مصمم است که از حقوق ملیت‌های ساکن در افغانستان و همه اقشار مردم، در سیاست کشور دفاع کند. در این کشور نباید حق هیچ ملیتی، هیچ حزبی، هیچ قوم و هیچ نژادی ضایع شود و به آنان ظلم صورت گیرد.

استاد مزاری در صحبت با تلویزیون پیام آزادی (۱۳۷۲)، در مورد آزادی مطبوعات بیان کرده بودند که: «از نظر تمدن بشری و قوانین بین‌المللی، آزادی مطبوعات به رسمیت شناخته شده است تا هر کس عقاید سیاسی خود را به صورت آزادانه بیان کند. سانسور رسانه‌ها با شرایط و اقتضات کنونی مطابقت نمی‌کند. اضافه بر این، از نظر اسلام نیز عقیده‌ای مخالف داشتن جرم نیست و این یک اصل پذیرفته شده است» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۲۷۹). بنابراین، همه انسان‌ها و

۱. - Accountability

۲. - Responsiveness

گروه‌های اجتماعی می‌توانند در بارهٔ واقعیت‌های سیاسی و به ویژه در مورد سرنوشت سیاسی خود ابراز نظر کنند و براساس عقیده و برنامه‌های خودشان فعالیت سیاسی انجام دهند.

تأکید بر فرد

لیبرال‌ها از فرد به عنوان واحد اساسی جهان اجتماعی و ارزش نهایی در این جهان پاس می‌دارند. قواعد لیبرال که از دل اندیشهٔ روشنگری زاده شده‌اند، ارزش ذاتی، کرامت انسانی و آزادی فرد را مفروض می‌انگارند (سند هولتز، ۱۳۹۵: ۳۶۹). آنان معتقد هستند که فرد و مصلحت فردی مهم هستند و دولت‌ها باید برنامه‌های‌شان براساس منافع تک تک افراد جامعه اولویت‌بندی کنند و آزادی‌های لازم را برای فعالیت‌های هرچه بیشتر «فرد انسانی» فراهم کنند (بیات، ۱۳۸۷: ۴۵۸). از سویی همان‌گونه که در هیافت کثرت‌گرایی بررسی کردیم، در این رویکرد نیز فرد را به عنوان عنصر بنیادی ساختمان اجتماعی در نظر می‌گیرد. در همهٔ حساب و کتاب‌های دولت باید فرد انسانی، مورد توجه واقع شود و برنامه‌های حکومت براساس نیازهای افراد جامعه و منافع آنان در نظر گرفته شود.

شهید مزاری نیز معتقد بود که مبنای تشکیل واحدهای اداری، باید براساس جمعیت باشد و برنامه‌ریزی‌های حکومت نیز براساس تعداد جمعیت صورت گیرد. برنامه‌ریزی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی براساس جمعیت یک منطقه صورت گیرد تا عدالت اجتماعی در کشور تحقق یافته و حقوق مردم نیز رعایت شود. معیار نفوس در تقسیم واحدهای اداری و توزیع منابع و فرصت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از قرن هژدهم به بعد در کشورهای مختلف مطرح است و یک امر پذیرفته شده و مورد قبول برای همهٔ مردم است (جاوید، ۱۳۹۳: ۱۹۰).

شهید مزاری در مورد اهداف سیاسی حزب وحدت اسلامی ابراز کرده بود که: «حزب وحدت اسلامی خواهان سهم‌گیری و حضور همهٔ ملیت‌ها و احزاب در تصمیم‌گیری روی مسائل کشور براساس نفوس آن است و معتقد است افغانستان خانهٔ مشترک همهٔ ملیت‌های ساکن در آن است.

بنابراین، همه باید در تصمیم‌گیری روی مسائل مربوط به آن مشارکت داشته باشند و حق هیچ کس ضایع نگردد» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۴۰۵). همچنین شهید مزاری معتقد بود که انتخاب نوع نظام سیاسی از صلاحیت‌ها و حقوق مردم است که در مورد آن تصمیم بگیرد. وی اظهار می‌داشت که باید یک فراندوم و همه‌پرسی دربارهٔ نوع حکومت افغانستان از مردم صورت بگیرد تا آنان نظام آینده‌شان را با توجه به خواسته‌ها و نیازهای خود انتخاب کنند. با انجام همه‌پرسی هم به حقوق مردم و اقوام مختلف توجه صورت می‌گیرد و هم نوع حکومت آینده مشروعیت می‌یابد.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۳۵۳).

شهید مزاری در پاسخ به سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی که آیا اتکای شما تنها به نیرو و نفوس خودتان تضمین‌کنندهٔ حقوق شما است و اگر نه چه نیروی سیاسی - نظامی این حقوق را تضمین می‌کند؟ بیان داشت: «ما حقوق همهٔ مردم افغانستان را طبق نفوس و به تناسب حضورشان در صحنه‌های جهاد می‌خواهیم و همهٔ مردم هم مسلح‌اند و این موضع قوی و نیروی نظامی خودشان تضمین‌کنندهٔ این مسئله است که تا توافق همهٔ ملیت‌ها گرفته نشود، یک دولت پایدار در افغانستان به وجود نمی‌آید تا بتواند حق کسی را ضایع کند... وقتی انتخابات دایر می‌شود، باز باید از کل نفوس افغانستان آمار گرفته شود و سرشماری شود و این سرشماری هم زیر نظر سازمان ملل متحد صورت گیرد، آنگاه انتخابات زیر نظر سازمان ملل برگزار شود و هر ملیتی به تناسب واقعیت وجودی و حضور خود در این کشور در سرنوشت سیاسی خود سهم باشند» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۳۵-۳۶).

انتخابات

در جوامع ماقبل مدرن، که دولت مشروعیت خود را از طریق وراثت، مذهب و خشونت به دست می‌آورد، مشارکت مردم در سیاست از اصالت برخوردار نبود. بعد از شکل‌گیری دولت‌های ملی و تثبیت نظام‌های مردم‌سالار به تدریج بحث مشارکت مردم در عرصهٔ سیاست اهمیت پیدا کرد. در دولت‌های دموکراتیک امروزی، سهم گرفتن مردم در تصمیمات سیاسی و میزان درگیری مردم در سیاست، درجهٔ

توسعه سیاسی یک کشور را تعیین می‌کند (وفایی، ۱۳۹۹: ۲۰۹). در بسیاری از حکومت‌های امروزی انتخابات به عنوان یک سازوکار مهم برای انتقال قدرت، پذیرفته شده است. براساس رهیافت کثرت‌گرایی، مراجعه به آرای مردم و نقش دادن به مردم به عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی نسبت به سرنوشت سیاسی‌شان، برای مشروعیت حکومت تعیین کننده است. از نظر شهید مزاری همه مردم و به ویژه زنان حق دارند که در تصمیمات سیاسی سهم بگیرند و در حکومت شریک باشند. وی تأکید می‌کند که مناسب‌ترین طرح برای افغانستان آن است که حقوق همه مردم در آن در نظر گرفته شود و رأی هیچ کسی ضایع نشود.

شهید مزاری تأکید داشت که سمت‌های سیاسی مانند ریاست جمهوری، نخست‌وزیری، وزارت‌ها و سایر سمت‌های کلیدی باید براساس رأی مردم و نمایندگان احزاب سیاسی تعیین شوند» (جاوید، ۱۳۹۳: ۱۹۶). شهید مزاری در مصاحبه خود با خبرنگار رادیو تلویزیون ترکیه، راجع به حق مشارکت زنان در انتخابات گفته بود: «ما معتقدیم که انتخابات باید کاملاً آزاد باشد و همه مردم افغانستان بتوانند در آن شرکت کنند، ما سیستم انحصار را به هر شکل و شیوه آن رد می‌کنیم و طرفدار شرکت کلیه مردم افغانستان اعم از زن، مرد و... برای تعیین سرنوشت سیاسی‌شان هستیم. این عادلانه نیست که مردان حق شرکت در انتخابات داشته باشند؛ ولی زنان از این حق مسلم انسانی- اسلامی‌شان محروم باشند» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۴۱).

در مورد انتخابات، شهید مزاری به سیستم تناسبی رأی‌گیری معتقد بود. وی می‌گفت که در انتخابات رأی همه باید ارزش داشته باشد و کاندیدان در انتقال رأی و تشکیل ائتلاف باید یکدیگر آزاد باشند. احزاب سیاسی باید قبل از رأی‌گیری لیست از کاندیدان خویش را منتشر کنند تا مردم از آنان شناخت کافی داشته باشند. به علاوه شهید مزاری معتقد بود که افراد مستقل نیز می‌توانند در انتخابات کاندید کنند و همچنین آنان حق تشکیل ائتلاف با یکدیگر را داشته باشند تا هیچ رأی از مردم ضایع نشود و همه آنان به نحوی در تصمیمات سیاسی سهم داشته باشند (جاوید، ۱۳۹۳:

۱۹۳). این سیستم و شیوه‌ای از رأی‌گیری اکنون در بسیاری از کشورهای جهان پذیرفته شده است و انتخابات آنان براساس سیستم تناسبی و از طریق احزاب سیاسی صورت می‌گیرد. چنین سیستمی برای افغانستان نیز با توجه به گوناگونی قومی و فرهنگی آن می‌تواند کارایی داشته باشد.

نظام فدرالی

در حکومت فدرالی، حکومت مرکزی در مورد مسائل عمده مربوط به منافع عمومی یا مشترک مانند ارتش و امنیت، اقتصاد و مسائل مالی و پولی، نشان‌های ملی و سیاست خارجی، تصمیم‌گیری و اقدام می‌کند و واحدهای محلی، یا تشکیل دهنده‌ای فدراسیون، به مسائلی که از لحاظ محلی اهمیت دارند، می‌پردازند. توزیع اختیارات میان مرکز و واحدها را قرارداد تشکیل فدراسیون یا قانون اساسی فدرال تعیین می‌کند (عالم، ۱۳۸۸: ۳۳۹). نظام فدرالی دو رشته حکومت دارد: حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی. در فدراسیون‌ها، اختیارات میان مرکز و واحدها بر مبنای قانون اساسی تقسیم شده است. رهیافت کثرت‌گرایی، بر تنوع و تفکیک ساختارهای سیاسی از جمله از نظر جغرافیایی مانند: پایتخت و ایالت‌ها تأکید دارد. اهمیت این رویکرد به ویژه زمانی که دولت بافت اجتماعی، قومی و فرهنگی داشته باشد، دو چندان می‌شود. شهید مزاری نیز با توجه به گوناگونی قومی و فرهنگی افغانستان معتقد بود که نظام فدرالی مناسب‌ترین سیستم حکومت‌داری است. وی در گفت‌وگوی با بی‌بی‌سی، موضع حزب وحدت را در مورد نوع نظام سیاسی افغانستان، چنین اظهار داشته بود که: «حزب وحدت اسلامی خواستار به وجود آمدن یک سیستم فدرالی در افغانستان و شناسایی رسمی کلیه گروه‌های قومی توسط دولت است» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۲۵). شهید مزاری همچنین در مصاحبه با روزنامه رسالت (۱۳۷۱)، چاپ تهران در پاسخ به سؤالی که حزب وحدت اسلامی خواستار استقرار چه نوع نظام سیاسی در کشور است؟ بیان کرده بودند که: «تنها راه ثبات و به وجود آوردن مرکزیت، اعمال سیستم فدرالی است و ما تنها راه حلی می‌دانیم که تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان را در

تشکیل می‌دهند، هیچ وقت حاکم سرنوشت خود نبوده‌اند. هزاره‌ها با وجود آن‌که در مناطق مرکزی اکثریت بوده‌اند؛ اما در حکومت‌های قبلی والی و سایر مقامات تشکیلات از طرف مرکز و از ملیت‌های دیگر تعیین می‌شدند. بنابراین، در نظام‌ها و قوانین بعدی حقوق ملیت‌ها تثبیت و در تعیین سرنوشت‌شان آزاد گذاشته شوند (جاوید، ۱۳۹۳: ۷۱-۷۳).

شهید مزاری تأکید می‌کرد که در گذشته با وجود آن‌که حکومت‌های مرکزی در غرب، شمال و مرکز افغانستان دارای تشکیلات بوده‌اند و افرادی را به عنوان حاکم و نمایندگان حکومت در آن‌جا تعیین کرده بودند؛ ولی با آن‌ها دولت هرگز تسلط و حاکمیت کامل در آن مناطق نداشته است. مناطق مذکور همیشه در کنترل رهبران محلی و قومی بوده است و مردم نیز نسبت به نمایندگان دولت، بیشتر به آنان وفادار بوده‌اند. بنابراین، همه احزاب، سران قومی و رهبران افغانستان نظام فدرالی و قانون آن را بپذیرند تا هرکس حاکم سرنوشت، مسئول اداره مناطق خود و تصمیم‌گیرنده سرزمین خود باشند.

نتیجه‌گیری

از مرور مطالب فوق نتیجه حاصل می‌شود که شهید مزاری با رویکرد، کثرت‌گرانسبت به مسائل افغانستان نگاه می‌کرد و از زاویه پلورالیستی راه‌حل‌های متناسب با واقعیت‌های تاسیجتماعی را ارائه می‌کرد. شهید مزاری معتقد بود که افغانستان از نظر قومی و فرهنگی متکثر است و در سیاست افغانستان باید نظام فدرالی حاکم شود؛ زیرا در نظام فدرالی به منافع همه گروه‌های سیاسی و به ابتکارات محلی توجه صورت می‌گیرد. اضافه بر این، شهید مزاری بر حقوق بشر و تأمین آزادی‌های فردی، بر فرد و جمعیت به عنوان واحد ساختار اجتماعی، انتخابات به عنوان مناسب‌ترین سازوکار انتقال قدرت و حفظ حاکمیت مردم و در نهایت به نظام فدرالی به عنوان بهترین شیوه تقسیم قدرت میان گروه‌های متنوع سیاسی و اجتماعی تأکید می‌ورزید.

پی دارد. یکی از اصول فدرالیسم این است که حاکمیت‌های مختلف در ارتباط با حاکمیت مرکزی به کار ادامه می‌دهند... در ولایات مختلف افغانستان حاکمیت‌های مختلف وجود دارد که باید قانع شوند و راه قانع شدن آن‌ها فقط سیستم فدرالی است» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۴۵). شهید مزاری معتقد بود که آینده افغانستان با سیستم فدرالی به ثبات می‌رسد؛ زیرا در سیستم فدرالی همه ملیت‌ها احساس خواهند کرد که تعیین‌کننده سرنوشت سیاسی خود هستند. بدون وجود سیستم فدرالی، دولت مرکزی نمی‌تواند بر تمام افغانستان از جمله؛ شمال، غرب و مرکز حاکمیت خود را حفظ کند. بنابراین، تنها راه حل مشکلات افغانستان، ایجاد یک سیستم فدرالی است. سیستم فدرالی، افغانستان را از تجزیه نجات می‌دهد، ملیت‌ها را برای همبستگی قانع می‌سازد، حقوق آنان را تأمین می‌کند و فرهنگ و آداب و رسوم آنان نیز حفظ می‌شود.

نظام فدرالی همان‌گونه که برای کشورهای مانند؛ پاکستان، آلمان، هند، آمریکا و... کارآمد بوده است و نتیجه داده است برای افغانستان متکثر نیز کارآمد و مطلوب خواهد بود. تنها در نظام فدرالی است که قتل عام صورت نمی‌گیرد، مردم به حقوق‌شان دست می‌یابند و آن‌ها مسئول سرنوشت خود‌شان قرار می‌گیرند. حکومت‌های متمرکز گذشته نشان داده است که برقراری حاکمیت در افغانستان برای دو طرف حکومت و اقوام مختلف هزینه‌های سنگین مانند؛ قتل عام‌های وحشیانه، سرکوب و استبداد را به همراه دارد. با این وجود، دیگر لازم نیست که باتوجه به تجربه منحوس حکومت‌های متمرکز، برای چندمین بار پافشاری به ایجاد حکومت متمرکز کنیم و تجربه ناکام گذشته را تکرار کنیم.

شهید مزاری معتقد بود که تنها راه آرامش مردم افغانستان و تنها راهی که این کشور از تجزیه نجات یابد، ملیت‌ها همبستگی خود را حفظ کند و حاکمیت در سراسر قلمرو کشور تأمین شود، ایجاد سیستم فدرالی در افغانستان است. در حکومت فدرالی همه ملیت‌ها می‌توانند هم درباره مناطق خود تصمیم بگیرند و هم در مورد کشورشان تصمیم بگیرند. از نظر شهید مزاری هزاره‌ها که یک سوم نفوس افغانستان را

منابع

۱. احسانی، غلام سخی (۱۳۹۵)، «شهید مزاری و فدرالیسم به مثابه گزینه مطلوب حکومت داری»، فصلنامه اندیشه معاصر، سال دوم، شماره ششم.
۲. احسانی، محمدباقر (۱۳۹۸)، «وحدت ملی و فدرالیسم در اندیشه شهید مزاری»، مجله عدالت و امید، شماره پنجم.
۳. اسمیت، مارتین (۱۳۸۸). «کثرت‌گرایی»، در مارش، دیوید و استوکر، جری، روش و نظریه در علوم سیاسی، مترجم امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: چاپ چهارم، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸.
۵. بیات، عبدالرسول و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷)، فرهنگ واژه‌ها، قم: چاپ دوم، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
۶. جاوید جاوید، محمد (۱۳۹۳)، احیای هویت (مجموعه سخنرانی‌های رهبر شهید بابہ مزاری)، کابل: انتشارات امیری.
۷. روحانی، روح الله (۱۳۹۲)، «عدالت اجتماعی در اندیشه شهید مزاری (ره)»، فصلنامه علمی- فرهنگی بشارت، سال پانزدهم، شماره ۵۲ و ۵۳.
۸. سجادی، حمید (۱۳۹۶). ساخت شکنی نظریات

- توسعه سیاسی از رویکرد پست مدرنیسم، تهران: چاپ اول، نشر حکمت کلمه.
۹. سحر، عارف (۱۳۹۶)، «مزاری و نخستین تلاش برای ایجاد دولت مدرن»، مجله عدالت و امید، شماره چهارم.
 ۱۰. سیف زاده، حسین (۱۳۹۶). پانزده مدل رقیب و بدیل نوسازی، توسعه و دگرگونی سیاسی، تهران: چاپ سوم، نشر قومس.
 ۱۱. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۸)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشرنی.
 ۱۲. عطائی غزنوی، محمد آصف (بی تا)، «نگرش اجمالی بر اندیشه سیاسی رهبر شهید استاد مزاری»، مجله سراج، سال سوم، شماره ۱۱.
 ۱۳. غفاری لعلی، عبدالله (۱۳۹۶)، فریاد عدالت، کابل: چاپ اول، انتشارات بنیاد اندیشه.
 ۱۴. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۴). روابط بین‌الملل (نظریه‌ها و رویکردها)، تهران: چاپ دهم، سمت.
 ۱۵. نیوتون، کنث و ون دث، جان (۱۳۹۰). مبانی سیاست تطبیقی دموکراسی‌های دنیای نوین، مترجم خلیل الله سردارنیا، تهران: چاپ اول، دانشگاه شیراز.
 ۱۶. وفایی، عارف (۱۳۹۹)، سازمان ملل متحد و توسعه سیاسی افغانستان، کابل: چاپ اول، انتشارات مقصودی.